

## تقریظ استاد راهنما

رساله علمی تحت عنوان نحو اثر محترم غلام یحیی فرهنگ هروی که زیر نظر اینجانب تحقیق و تهیه شده است کتابی است پرمحتوا و مفید. این اثر یک پیشگفتار، یک مقدمه، سه فصل متن کتاب، دو پیوست و فهرست مآخذ را دارا می‌باشد.

نگارنده در فصل اول پس از آنکه در مورد نحو معلومات مفصل ارائه داشته است بعد در رابطه به عبارات و انواع آن از رهگذر ساخت و معنی و همچنین راجع به رابطه کلمه‌ها در عبارات و جمله‌ها به نکات بسیار مفید و قابل توجه تماس گرفته است. در فصل دوم، پس از شرح ویژگیهای عروضی و نحوی جمله، اجزای اساسی جمله، یعنی نهاد و گزاره و اجزای پیرو جمله که عبارت است از: پرکننده‌ها، معین کننده‌ها و قیود، خیلی دقیق تحقیق شده است و در ضمن، جمله‌های ساده از نگاه معنی، شکل و شخص مورد پژوهش قرار گرفته است. در فصل سوم، نویسنده جمله‌های مرکب از قبیل جمله‌های مرکب پیوست، مرکب تابع و مختلط را به بررسی و پژوهش گرفته موضوع را دقیقاً شرح و توضیح کرده است. البته موصوف در هر بخش مثالها و شواهد کافی ارائه داشته است.

این کتاب برای هر چه بهتر قابل استفاده شدن، حاوی دو پیوست نیز می‌باشد. پیوست نخست آن ارتباط می‌گیرد به پرسشها در موارد بخشهای مختلف کتاب و پیوست دوم، عبارت است از خلاصه و نتیجه گیری از بخشها.

این اثر در تطابق با رعایت ارزشهای تحقیق و با در نظرگیری معیارهای کتاب‌نویسی، با استفاده از منابع معتبر نگاشته شده است؛ رساله‌ای است مفید و قابل استفاده و مرجع خوب و ارزشمندی است برای پژوهشگران در عرصه تحقیق و دستورنگاری.

محترم پوهنمل غلام یحیی فرهنگ با نگارش این اثر علمی - تحقیقی که واقعاً برخوردار از معایر پژوهشی و مزایای ابتکاری در این زمینه است، سزاوار ترفیع به رتبه علمی پوهندوی می باشد. ضمناً برای بهره گیری مزید از اثر، طبع آن نیز سفارش می گردد. به آرزوی موفقیت‌های هر چه بیشتر نگارنده در تحقیق و ایجاد این گونه آثار علمی و سودمند!

پوهاند دوکتور محمدحسین یمین

استاد بخش زبان شناسی دیپارتمنت دری دانشکده

زبان و ادبیات دانشگاه کابل

## تقریظ

رساله علمی محترم پوهنمل غلام یحیی فرهنگ هروی را که با عنوان نحو تهیه و نگارش یافته است، مطالعه نمودم.

این اثر شامل معلومات مفید و ارزنده در باب خصوصیات نحوی بوده، روابط عبارات را با انواع آن و رابطه کلمه‌ها را در عبارات و جمله‌ها به طور شایسته‌ای نمایانده است، و نیز در رابطه با جمله‌ها از نگاه شکل و معنی؛ بعضی جمله‌های ساده، مرکب پیوست و تابع و مختلط را به بررسی و پژوهش گرفته است و دقیقاً در این باره، توضیح جامع ارائه نموده است. نویسنده در اثر خود، از کتب معتبر و مدارک قابل توجهی استفاده کرده است. در سراسر رساله، جملات ساده، روان و تسلسل منطقی در موضوع مشهود است. این رساله الحق از آثار بسیار مفید و ارزشمند به شمار می‌رود و پوهنمل هروی در تهیه آن زحمات زیادی متحمل شده است؛ جای دارد که من حیث یک رساله علمی برای ترفیع از رتبه علمی پوهنمل به رتبه علمی پوهندوی، مورد قبول قرار بگیرد و بنا بر آن، مورد تأیید من است.

موفقیت بیشتر استاد موصوف را در راه خدمت به فرهنگ و ادب از بارگاه پروردگار لایزال تمنا دارم!

پوهنوال دوکتور محمد افضل بنوال  
معاون علمی پوهنتون کابل

## تقریظ

رساله علمی محترم پوهنمل غلام یحیی فرهنگ هروری را که تحت عنوان نحو تحقیق و ترتیب نموده‌اند، با دقت تمام مورد مطالعه قرار گرفت. اثر علاوه بر سه فصل عمده و اساسی دارای پیشگفتار، مقدمه، فهرست مطالب و فهرست مآخذ مطابق موازین معمول علمی می‌باشد.

محقق محترم، در مقدمه رساله، اسلوب و روش تحقیق خود را توضیح داده در هنگام تحقیق، بر مبنای همان معیارهای علمی، کار خود را تهیه و ترتیب نموده است. پوهنمل فرهنگ در فصل اول، علاوه بر تحلیل و تعریف مندرجات مباحث مطروحه راجع به واحدهای نحوی زبان به اساس دستاوردهای جدید مطابق روحیه زبان دری، کار عالمانه و مفیدی انجام داده است که در شرایط فعلی درخور تحسین و تمجید است. در فصل دوم اثر، راجع به جمله و خصوصیات آن و هم ترتیب وقوع اجزای جمله با در نظر داشت ساختمان زبان دری که از بسا جهات بکر، تازه و یک تحقیق جدید علمی درباره زبان دری می‌باشد، انجام داده است. تحقیق در مورد خصوصیات زبان دری با در نظر داشت تفاوت‌های جغرافیایی و اجتماعی کاری درخور توجه است. محقق محترم، سرشت زبان دری را از نظر دور نداشته کارهای نارسای بعضی از دستورنویسان قبلی را تکمیل نموده است که به ذات خود گام تازه‌ای است. فصل سوم را به انواع جمله اختصاص داده است که دقت و دسته‌بندی در تقسیم جملات حائز اهمیت فراوان است.

ناگفته نباید گذاشت که بر کاستیهای کار بعضی از دستورنویسان اشاره‌هایشان بجا و قابل تمجید است؛ به ویژه همان بخشها که نزد دستورنویسان مجهول مانده و یا در تحلیلشان تعقید وجود دارد و هم آوردن مثالها برای توضیح و اثبات ادعاهایشان موثق و قابل اعتماد است.

تقریظ ۵

با آنچه به گونهٔ مختصر در فوق تذکار یافت، اینجانب رسالهٔ علمی محترم فرهنگ هروری را یک اثر بکر و وزین علمی تحقیقی می‌دانم و ترفیع ایشان را از رتبهٔ علمی پوهنملی به رتبهٔ علمی پوهندویی توصیه می‌نمایم؛ هم بدین وسیله پیشنهاد می‌کنم که اگر زمینهٔ چاپ و تکثیر آن مهیا شود در شرایط فعلی، خدمتی است بزرگ و شریفانه برای محصلان و سایر علاقه‌مندان دستور زبان دری.

با ابراز سپاس

پوهندوی دوکتور عبدالخالق وفایی

استاد دیپارتمنت زبان و ادبیات دری در پوهنحی زبان

و ادبیات پوهنتون کابل

## پیشگفتار

زمانی که درس دستور زبان را آغاز می‌کردم، با چشم‌اندازی به گذشته آن و نحوه تدریس، خواستم سوییۀ دانشجویان را بیازمایم، ولی آنان در زمینه اجزاء و عناصر متشکله گفتار و ساختار زبان، کمتر آشنایی داشتند.

گرچه تدریس دستور به اساس دستاوردهای جدید - که شامل برنامه آموزشی در صنفهای مختلف گردیده بود، صورت می‌گرفت؛ اما به استناد آشنایی بیشتر مریبان به شیوه‌های سابق و آگاهی کمتر از روشهای نو، هدف اصلی - که عبارت از انکشاف زبان مادری است - برآورده نمی‌شد.

این نکته به اساس همان انگیزه در ذهنم رشد کرد تا با استفاده از بینش، تجارب و اندوخته‌های گهربار استادان عالیقدر و پیشرو در این راه طولانی فرآورده‌ها و یادداشتهایم را تحت عنوان نحو (به سلسله فتولوژی و مورفولوژی) منسجم گردانم و در این راه خطیر و دشوار گذر به قدر فهم نارسای خود قدم بردارم و قلم فرسایم، و در ضمن این مأمول، با روشی مقابلی، نکاتی از این دستورها را مورد تحلیل و تشریح قرار دهم.

باید یادآور شد که این کار در شرایطی پی‌ریزی شده که دود، آتش، صداهای مهیب ناشی از انفجارها و خمپاره، فضای شهر کابل را گرفته است و من هم در همین محیط بودم و طبعاً متأثر از این اوضاع!

بنائاً در برخورد با نارسایی و پراکنده‌گی، از خواننده‌گان، پوزش می‌طلبم و از لطف عالمانه و کریمانه‌شان استدعا دارم که به این برگها خرده نگیرند؛ بلکه با پیشنهادهای سالم و رهبری‌کننده، آگاهم نمایند تا به رفع نقایص آن پردازم؛ زیرا انجام هر کاری آغاز کاری دیگر و تازه‌تر را در خود می‌پرورد.

پیشگفتار ۷

از دانشمند بزرگوار پوهاند دوکتور محمدحسین یمین که با بینش و دانش  
بخردانه و داهیانه خویش و بردباری و حوصله فراخ، بی شائبه راهنماییم نموده‌اند،  
اظهار سپاس و امتنان می‌نمایم و خواستار اجری جزیل، عمری طویل و تندرستی  
برایشان می‌باشم که باز هم بدون احساس خستگی، جوانان چشم چراغ این خطه باستانی  
را از نعمت دانش و تجارت آکادمیک خویش، بیشتر برخوردار گردانند!

و من الله توفیق

پوهنمل غلام یحیی فرهنگ هروی

۱۳۷۴/۱۱/۲۷

## مقدمه

دستور زبان دری در درازنای زمان، راههای پر پیچ و خمی را پیموده است. شماری از دستورنویسان به ترجمه دستوره‌های زبان عربی - که از دستور زبان یونانی تقلید شده بود - پرداختند و قواعد دستور عربی را بر دری تطبیق کردند. چون این گروه، زمینه جولان فکری و رشد و تکامل این نهضت را برای آینده گان مهیا ساختند، به روح پاکشان دعای مغفرت می فرستم.

مطالعه علمی زبان، نشان می دهد که هر زبان چون در جامعه‌ای دارای ویژه گیهای جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی و بیولوژیکی خاص همان سرزمین پرورش و نشو و نما می یابد، پس تحمیل قانونهای دستوری یک زبان بالای زبان دیگر، مخالف اساسهای علمی است و خلاف سرشت این زبان.

با درک این حقیقت، گروهی از رهپویان معرفت با وقف عمر در تدریس و راهنمایی، نوشتن دستور زبان را به شیوه علمی آغاز کردند و تشنه گان معرفت را از زلال فرآورده های خود سیراب نمودند.

این سحرخیزان بیننده افقهای دور دوکتور پرویز ناتل خانلری استاد دانشگاه تهران، پوهاند محمد نسیم نگهت سعیدی، پوهاند محمد رحیم الهام و پوهاند دوکتور محمدحسین یمین استادان دانشگاه کابل بوده اند که با دیده ستایش به خدمات شایسته و فراموش ناشدنی شان باید ارج فراوان گذاشت.

من هم برای ادای رسالت تاریخی و دین وطنی، به نشانی ردپای این اندیشمندان رهسپار دیار این مطلوبه شدم و از تجربیات و اندوخته های نارسای خود چیزی افزودم تا در این راستا، ره توشه ای گذارم:



هر که سخن را به سخن ضم کند      قطره‌ای از خون جگر کم کند  
این شعر نابعاً زمان و اعجوبه دوران، لسان‌الغیب، حضرت حافظ را برای گشایش این مطلوبه،  
زمزمه می‌کنم:

همتم بدرقه راه کن ای طائر قدس      که دراز است ره مقصد و من نوسفرم  
چراغ فرا راهم امیدی است برای اینکه فرزندان این سرزمین مردخیز و پرتکاپو  
مطابق به شرایط و انکشافات علمی عصر و زمان، مسیر ترقی و تعالی پیمایند و این کوره‌راه  
را به شاهراه شگوفایی، بدل نمایند؛ چه با خواب گران، به اضمحلال در برابر فرهنگ دیگران  
مواجه خواهیم شد تا به درد جهل متوجه نشویم، به تداوی آن نخواهیم پرداخت.  
اگر نحو را، نحوه کاربرد واژه‌ها، عبارت‌ها، فقره‌ها، جمله‌ها و گفته‌های نویسنده‌گان،  
شاعران و شیوه گفتار اهل یک زبان و یک سرزمین بشناسیم، همه تلاش‌های ما تا اکنون در  
این راه دراز و پرنشیب و فراز، چون قطره‌ای در این بحر بوده نمی‌تواند و ثمره آن بسیار  
ناچیز است.

گر بریزی بحر را در کوزه‌ای      چند گنجد قسمت یک روزه‌ای  
باز هم نباید ناامید بود و در سردرگمی تسلیم شد. باید مانند گذشته‌گان - که عمر  
خود را در راه پژوهش صرف کرده‌اند، ما هم به آرزوی ترقی و انکشاف زبان و ادبیات و  
کاری پیگیر، افتخاراتی از خود به جا گذاریم و مفهوم این شعر داستان‌پرداز بزرگ، نظامی  
را وصف حال خود گردانیم:

ما که نظر بر سخن افکنده‌ایم      مرده‌ او بییم و به او زنده‌ایم  
اگر در نحوه کارم تسلسل منطقی موجود نباشد، ناشی از عوامل دلخراش یاد  
شده است.

برای اینکه خواننده بهتر از نحو و مطالب مربوط به آن بهره بگیرد؛ نظریات مختلف  
دستورنویسان را درج این برگها نمودم.

در جایی که به اختلاف نظری مواجه می‌شدم، با شواهد و اسناد، به ابراز نظر  
می‌پرداختم و همواره خواننده را در نظر داشتم.

به منظوری که این دستور صرف، جنبه تعلیمی پیدا نکند، در مثالها تنها به شعر و نثر  
قدما اکتفا نکردم و نه تأکید در این زمینه صورت گرفته است، و توأم با آنها، شیوه علمی

استفاده از زبان گفتاری و محاوره‌ای را در آوردن مثالها، رعایت نمودم. این نبشته دربرگیرنده سه فصل است: فصل اول، شامل نحو و نکات مربوط به اجزاء و عناصر آن؛ فصل دوم، مشتمل بر جمله و اجزای آن و فصل سوم به گونه‌های جمله نوشته شده است.

یک تعداد جمله‌ها (بزدان، آفریدگار جهان است و داننده آشکار و نهان است و ...). از دو یا چند فقره که توسط واو عطف به هم می‌پیوندند، ولی نهاد در تمام آنها مشترک است، تشکیل گردیده است و این جمله‌ها در دستور نگهت، تحت عنوان جمله‌های مرکب آمده، درحالی که در نحو محمدالله لطف به نام جمله‌های ساده متعدد اعضا یاد شده است (من این جمله‌ها را عجالتاً به نام جمله‌های ساده منشعب خواندم).

گرچه دستور زبان به شیوه علمی، مطالعه نظام ساختمانی زبان است، نظر به اینکه هر شکل از خود محتوایی دارد، پس نباید از ساختار معنوی زبان غافل ماند.

از این رو تقسیم جمله به ساده و مرکب ... تنها از نگاه ساخت - تعداد فقره‌ها - نمی‌تواند صورت گیرد؛ چه این گونه قضاوت «شکل‌گرایی» محض است. خانلری جمله را به طور کلی به ساده و مرکب (جمله‌های دارای فقره تابع و عمده و هم جمله‌های دارای فقره‌های متوازن) بر شمرده است.

نگهت که جمله را به سه گونه: ساده، مرکب و مختلط تقسیم کرده، جمله‌های مختلط را دارای فقره عمده و تابع می‌داند و الهام نیز آن را پذیرفته است. در دستور یمین به طور کلی، جمله دو گونه است: ساده و آمیخته - که وی جمله‌های دارای فقره‌های متوازن را از نوع جمله‌های همپایه تحت عنوان جمله‌های آمیخته دانسته است.

برای درک حقیقت این مسأله، نظریات مختلف هر کدام از دستورنویسان را در این نبشته گنجانیدم. در مورد تقسیم عبارت به عبارت‌های بیرون مرکز و درون مرکز، نظر موافق نداشتم. به جای بحث اضافه، مضاف و مضاف‌الیه که تقلید محض از عربی است و از دیگر طرف برای خواننده، برجسته‌گی داشت، این موضوع را نیز توضیح دادم. تا جای ممکن، با حفظ امانت، پانوشتها را ترتیب نمودم و مآخذ اشعاری که در دست‌رسم بود، تذکر دادم.